

نشریه علمی - پژوهشی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال هشتم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۳۹۵، ص ۹۱-۱۲۰

زنانگی ادب تعلیمی، رهاننده پروین از اضطراب تأثیر

دکتر عبدالرضا مدرس زاده^۱ - صدیقه ارباب سلیمانی^۲

چکیده

پروین اعتصامی شاعر نامدار معاصر، بیشتر به سبب گرایش‌های تعلیمی و اخلاقی‌اش شناخته می‌شود. وی کوشش داشته است از شعر برای دانش‌افزایی و حکمت‌سرایی یاری بگیرد. بی‌تردید شاعران پیش از پروین هم، همین رویه و رویکرد را دنبال می‌کرده‌اند و به طور کلی یکی از شباهت‌های وی با کسانی مانند ناصر خسرو، سعدی، ابن‌یمین و... همین روند اخلاقی کردن فضای شعر است. متأسفانه برخی منتقدان ادبی سطح کار پروین را در این زمینه، تا حد شاعری مقلد پایین آورده‌اند؛ درحالی‌که چنین نیست. وی بی آن‌که از نظریات ادبی جدید در روزگار ما باخبر باشد، به شیوه‌ای کاملاً هنرمندانه توانسته است خود را از سطح تأثیرپذیری صرف و معمولی نجات دهد و در حد شاعری توانمند و صاحب سبک ظاهر شود. گرایش پروین به ادب تعلیمی آن هم با رنگ و بویی کاملاً زنانه، نقطه آغاز توفیق او در شاعری است. در مقاله حاضر با

^۱؛ دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان a.modares@aukashan.ac.ir

^۲؛ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان Sedighe_arbab@yahoo.com

نگاهی به نظریه «اضطراب تأثیر هرولد بلوم»، سعی شده است هنر ورزی‌های پروین اعتصامی در بیرون آمدن از سایه اضطراب تأثیر شاعران پیش از او نشان داده شود؛ نتیجه این ارزیابی نشان می‌دهد وی با در نظر داشتن تحولات سیاسی و فکری روزگار خود، همه راه شاعری را با شاعران متقدم - و البته مرد - نیموده است و بر اساس سبک شخصی خود، مبتکرانه رفتار کرده است.

واژه‌های کلیدی

پروین اعتصامی، ادب تعلیمی، شعر زنانه، اضطراب تأثیر.

مقدمه

ادب تعلیمی یکی از گونه‌های ادبی است که همه جوامع یکسان به آن توجه نکرده اند. مقصود از ادبیات تعلیمی، ادبیاتی است که سعادت انسان را در گرو رعایت فضایل اخلاقی می‌داند و تلاش می‌کند با تعلیم و تقویت خصایل نیک، انسانی اخلاق مدار پرورش دهد. ادبیات تعلیمی دامنه وسیعی دارد. پند و اندرزها و آموزه‌های اخلاقی بخش عظیمی از این گونه ادبی را در برمی‌گیرد.

آوردن مضامین مشترک و تأثیرپذیری شاعران از یکدیگر در مضمون و محتوا، همواره در همه گونه‌های ادبی متداول بوده است. شاعران در اشعار خود آگاهانه یا غیرآگاهانه تحت تأثیر محتوا و حتی الفاظ و ترکیبات شاعران متقدم خود هستند. پروین نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ وی در اثر تعالیم پدر ادیب و شاعرش و درک حضور استادانی همچون ملک‌الشعرا بهار و دهخدا و شناخت سبک شعر آنان، با شعر سنتی فارسی آشنا شد؛ سپس با دیوان شاعران بزرگ گذشته مانند ناصر خسرو، سنایی، انوری، سعدی، عطار، مولوی، حافظ و... انس گرفت. تأثیر این آشنایی عمیق، وجود مضامین

مشترک تعلیمی در شعر او و گذشتگانش است. شعر او گرچه تحت تأثیر شاعران متقدم است اما ضمن تبعیت ظاهری از شیوه پیشینیان، کوشیده است مقلد تام نباشد. می‌توان گفت او سرنوشت شاعران مقلد را پیش چشم داشته، کاملاً عبرت گرفته است. اندکی تأمل در معانی اشعار او نشان می‌دهد به جز وزن و قافیه، از نظر فکر و محتوا کاملاً ابتکاری است.

پژوهش حاضر سعی دارد پس از طرح میزان تأثیرپذیری پروین از شاعران گذشته، نشان دهد وی بانویی صرفاً مقلد و رونویس نیست. او آن قدر مسیر نوگرایی را محتاطانه طی می‌کند که می‌توان گفت با حرکتی نامحسوس شعرش را از گذشتگان متمایز ساخته است و همین امر، سبب شکل‌گیری برخی اظهار نظرهای غیرمنصفانه درباره او شده است.

پرسش پیش روی این پژوهش، این است که اگر پروین شاعری کاملاً موفق و مستقل در عرصه شعر اخلاقی معاصر است و از طرفی تأثیرپذیری او از گذشتگان محرز است، چگونه توانسته است خود را از سایه تأثیرپذیری از شاعران نامدار رها کند و به سبکی مستقل دست یابد؟ پاسخ روشن را باید در ساختار زبانه شعر او جستجو کرد.

پیشینه پژوهش

در تاریخ ادب فارسی، بسیاری شاعران از شعر شاعر متقدم خود تأثیر گرفته، آگاهانه یا ناخودآگاه، تأثیر سخن آن شاعر در کلام و شعرشان پدیدار شده است. در بیشتر مقالاتی که راجع به پروین اعتصامی نوشته شده است، حتی مقالاتی که هیچ ربطی به موضوع تقلید نداشته است، او یک مقلد ادبی و پیرو سبک و اسلوب شاعران پیشین دانسته شده است و تاکنون مقاله‌ای با این مضمون که شعر پروین تقلیدی نبوده است و ابتکاری زبانه و ممتاز در خود دارد، نوشته نشده است.

پروین اعتصامی و ادب فارسی

با مطالعه دیوان پروین شاید در نگاه نخست چنین به نظر برسد که در وضعیت نابسامان و پر آشوب اجتماع در روزگار انقلاب مشروطه، او خاموش و بی صدا کنج عزلت گزیده، به پند و نصیحت اکتفا کرده است و فقط در پی سوژه‌ای است تا شعر را محملی برای توصیه‌های اخلاقی به دیگران سازد اما با نگاهی موشکافانه‌تر به دیوان او، زبان اعتراض‌آمیز او در لابه‌لای اشعارش نمایان می‌شود. او انتقادهای تلخ و گزنده‌اش را در میان داستان‌ها و لحن آرام خود پنهان کرده است.

او نه تنها نسبت به تحولات جامعه‌اش بی تفاوت نیست بلکه سعی دارد مردم را نیز نسبت به لزوم این دگرگونی‌ها برای رسیدن به اعتلا، آگاه کند. به عنوان مثال یکی از تحولات اساسی هر جامعه، ارتقای نقش اجتماعی زنان و احقاق حقوق پایمال شده آنان است و شاعران زن همواره در این عرصه به فعالیت پرداخته‌اند. این تحول هم از قول شاعری مانند پروین اعتصامی، با زبان پند و اندرز صورت می‌گیرد؛ برخلاف شاعرانی که با ستیزی تند علیه قراردادهای ظالمانه ضد زنان فریاد برمی‌آورند. به هر حال، هدف دگرگونی و تغییر نگرش جامعه مردسالار است. پروین برای مبارزه و احیای حقوق زن، کسب علم و دانش و بیداری زنان جامعه را پیشنهاد می‌دهد. او بیشتر به نقش مادرانه زن اهمیت می‌دهد و علم و دانش و پاکی و عفت و صفات خوب را مایه زیور و زیبایی مادران می‌داند و وظیفه مهم یک زن را در جامعه، «مادر بیدار بودن» می‌داند. «ظهور پروین اعتصامی در شعر فارسی پس از دوران مشروطیت، یک واقعه بزرگ ادبی محسوب می‌شود. شعر پروین، شعر خرد و عاطفه است. تأثیر پروین بر مجموع شاعران هم عصر خود و حتی شاعران مسن‌تر از خود قابل مشاهده است. اگرچه پروین به ظاهر در شعرش تصویر تازه ندارد و زبانش شاید کهنه به نظر آید، استعارات و تشبیهات عجیب و غریب به کار نبرده اما شعرش [به واسطه داشتن صدایی

شاخص و بیانی تازه و روشن] بسیاری از بزرگان ادب را مسحور خویش ساخته است» (قدمیاری، ۱۳۸۷: ۲۵۳).

پروین زمزمه‌های شاعرانه را در نوجوانی - وقتی همسالانش گرم بازی‌های کودکانه بودند - کنار پدر ادبش آغاز کرد و فنون شاعری را به سرعت آموخت. گرچه در خانواده ای مرفه زندگی کرد اما همواره رقت قلبی نسبت به فقرا و یتیمان داشت و دلیل بسیاری از نابسامانی‌ها و تفاوت‌های مادی و فرهنگی جامعه را، حق‌کشی و زورگویی‌های اجتماعی دانست و افشاگرانه از این تفاوت‌ها سرود. از عوامل مؤثر بر موفقیت شعر پروین، «یکی آمادگی محیط پرورش و زمینه خانوادگی و راهنمایی پدر ادیب و فرهیخته اوست و دیگر وجود اطرافیان فاضل و نخبگان وارسته ای چون دهخدا و ملک‌الشعرای بهار و جلسات ادبی که در حضور پدر در خانه آن‌ها تشکیل می‌شد» (دانشگر، ۱۳۷۴: ۲۷).

درون‌مایه‌های شعر پروین

اشعار پروین در زمره ادب تعلیمی محسوب می‌شود. ادب تعلیمی آثاری را با مضامین اخلاقی، مذهبی، فلسفی، کلامی و... عرضه می‌کند و هدفش تعلیم خواننده در زمینه‌ای خاص و برآمده از باور شاعر است. در شعر پروین نیز هدف شاعر پند و اندرز دادن به خواننده و ستایش صفات اخلاقی پسندیده و نکوهش صفات نامطلوب است. خواننده اشعار پروین، تقید او را به ادب و اخلاق احساس می‌کند.

ادبیات تعلیمی معمولاً موضوع محور است. هر کدام از نویسندگان در متون خود به یکی از خصایص یا موارد اخلاقی پرداخته‌اند و آن را محور اساسی بحث خود قرار داده‌اند؛ مثلاً شاعر آزاده‌ای مانند ناصر خسرو، تمام توانش را به کار می‌گیرد تا بتواند شعر را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف مذهبی خود سازد.

بررسی ادبیات تعلیمی در حوزه اخلاق، در نهایت به نبرد تاریخی و همیشگی نیک و بد و تقابل زشتی و زیبایی می انجامد؛ مانند بیشتر داستان های گلستان سعدی که نقطه اوج ادبیات تعلیمی است. پایه های اخلاقی شعر و شخصیت پروین بر نوع دوستی، مهربانی، نفی کینه و کدورت، عیب پوشی دیگران، عیب خود دیدن، نفی ضد ارزش هایی مانند حسادت و غرور و... استوار است. اصلی ترین درون مایه شعر وی، این است که شاعر را تا حد معلم آرمان شهر (مدینه فاضله) ارزشمند و قابل اعتنا معرفی می کند.

پروین علاوه بر انتخاب موضوع و بیان این نبرد و پیروزی خیر بر شر، لحنی اعتراض آمیز و ظلم ستیز اما محتاط در آن سوی تعابیر ظاهری اش نهفته دارد که شعرش را از دیگر شاعران مجموعه ادب تعلیمی ممتاز و منحصر به فرد ساخته است؛ به گونه ای که شعر او گونه ای نوگرایی محسوب می شود.

برخی درون مایه های شعر پروین

الف) دینی و عرفانی

اولین و بیشترین درون مایه شعر پروین موضوعات دینی و مذهبی است. وی به سبب تربیت خانوادگی و تأثیر پدر و اطرافیان، به مذهب گرایش داشته است؛ از همین رو بخش عظیمی از دیوانش را به بیان مسائل مذهبی اختصاص داده است. شعر لطف حق (اعتصامی، ۱۳۷۳: ۱۱۰)، نمونه ای است که درون مایه عرفانی زیادی دارد. وی همچون عرفا جهان را تجلی جمال حق می داند. عشق در شعرش عشق عرفانی است. حتی یک بار هم به مظاهر عشق مجازی مانند عشق به همسر، معشوق، هنر، زندگی و... نپرداخت. برای مثال شعر کعبه دل (همان: ۱۱۵)، مقایسه کعبه سنگی مکه و کعبه دل انسان است. او از عشق کمتر سخن گفته است. گویی عشق را برتر از گفتن یافته است و آن را خورشیدی می داند که اگر دل، آینه باشد بازتابش را در آن توان دید.

ب) فلسفی

پروین در بسیاری موارد به علم و عقل و هنر از منظر فلسفی پرداخته است. شعرهای ذره و خفاش (اعتصامی، ۱۳۷۳: ۶۸) و رفوی وقت (همان: ۱۱۳)، نمونه‌هایی از کاربرد این مضمون است. توجه به فلسفه اخلاق و فلسفه آفرینش (بندگی ذات حق)، در شعرش نمود دارد.

ج) کلامی

پروین در درون مایه‌های کلامی به قضایایی مثل مرگ، قضا و قدر، کمین حوادث، اختیار و... پرداخته است. قضا و قدر وی منطقی و متین است. «او عاشق مرگ نیست، از آن نفرت هم ندارد. او آن را می‌پذیرد؛ پذیرفتنی که در آن پای اجبار و تحمیل در میان است» (همان: ۱۷ مقدمه). دیدگاهش نسبت به مرگ مانند متکلمان است؛ معتقد است مرگ پایان راه نیست. گاه مرگ را چون عرفا پرواز از قفس تن می‌نامد. مانند شعر کاروان چمن (همان: ۱۷۲). او به جبر و اختیار معتقد است و به معاد پس از مرگ نیز اشاره می‌کند:

تو چو زری، ای روان تابناک
چند باشی بسته زندان خاک
(همان: ۱۰۲)

همچنین اشعار حاصل عمر (همان: ۳۳۸)، پیوند نور (همان: ۱۳۱)، دیده روشن بین (همان: ۳۵۰)، نمونه‌های دیگر این رویکرد است.

د) اخلاقی

پروین شاعری کاملاً اخلاقی است. بسیار به ستایش صفات اخلاقی و ذم صفات غیراخلاقی پرداخته است. توصیه‌هایی نظیر پرهیز از دنیا، پند گرفتن از آن، نکوهش دنیاداران، پرهیز از آز و عجب و جاهلی و توصیه به علم اندوزی، پاکی و پاک سیرتی و نیکویی و... در بخش زیادی از اشعار او دیده می‌شود. مانند حکایت‌های دزد و قاضی، دکان ریا، دو محضر، قاضی دغل، زاهد خودبین و... که همه مضامینی اخلاقی دارند.

پروین و اجتماع

پروین نسبت به تحولات جامعه اش بی تفاوت نیست. یکی از تحولات اساسی هر جامعه ارتقای نقش اجتماعی زنان است. وی برای احیای حقوق زن، کسب علم و دانش و بیداری زنان جامعه را پیشنهاد می‌دهد:

زین چراغ معرفت کامروز اندر دست ماست شاهراه سعی و اقلیم سعادت روشن است
به که هر دختر بداند قدر علم آموختن تا نگوید کس پسر هشیار و دختر کودن است
(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۲۶۱)

و گاهی آنان را نسبت به حقوق خویش هشیار می‌کند:

از چه نسوان از حقوق خویشتن بی بهره‌اند نام این قوم از چه دور افتاده از هر دفتری
دامن مادر نخست آموزگار کودک است طفل دانشور کجا پرورده نادان مادری
(همان: ۲۶۱)

پروین، مسائل اجتماعی را با زبانی نرم مطرح می‌کند. او ضمن رعایت حجب و حیا و سکوت، با شرمی که محصول شرایط اجتماعی و خانوادگی او است، به آرامی ناله سر می‌دهد و از ظلم و بیداد زمانه می‌نالند اما فریاد نمی‌کشد؛ گاه از زبان گذشتگان، یتیمان، پیرزنان و در قالب مناظره مسائل اجتماعی را بیان می‌کند تا فقر و اختلاف طبقاتی، مقام و مظلومیت زن و انسان دوستی را در شعر خود نشان دهد. او از اختلاف طبقاتی بیزار و به طبقه بالا دست بدبین است. در مورد فقر هم به فلک می‌تازد و توصیه‌های زیادی در کمک به فقرا دارد. او این نکته را از زبان پیرزن و یتیم و درویش و کشاورز و با اشاره و در قالب قصه بیان می‌کند، بی‌آن‌که خود را درگیر مسائل اجتماعی و منازعات سیاسی کند. او غیرمستقیم به ظلم حاکم می‌تازد. مناظراتش میان گل و گیاه، نخ و سوزن، مور و مار و... همراه با طنزی لطیف، در حقیقت اشاراتی به فساد و تزویر اجتماع حاکم زمان است که بی‌صدا آن را به تصویر می‌کشد.

برادر پروین درباره تأثیر اجتماع بر او می گوید: «تنها اندوهش از دیدن وضع پریشان طبقات ستم کشیده، از ملاحظه ناهمواری های اجتماع، از مشاهده ستمی که بر تیره بختان و زیردستان می رفت، بود» (جلالی، ۱۳۷۲: ۱۶۹).

جنسیت در شعر پروین

وابستگی معنی دار پروین به ادبیات سنتی هر چند به مذاق برخی منتقدان ادبی خوش نیامده است اما کوشش هدفمند شاعر برای ترسیم سیمایی راستین و شایان نگرش از زن ایرانی، قابل تحسین است؛ این در حالی است که خبر داریم «در شعر فارسی، چهره زن آن چنان گم و گور، مستتر، مخفی، مخدوش و تیره است که به نظر می رسد پیکره پسر جوانی را با کمی تغییر به مجسمه مسخ شده یک زن [به عنوان معشوق] تبدیل کرده اند و همین ویژگی، تغزل عاشقانه فارسی را تبدیل به تغزلی مذکر کرده است» (براهنی، ۱۳۶۳: ۵۳۵).

در سراسر دیوان پروین، زن بودن او کاملاً آشکار است. او شاید نخستین شاعر زن باشد که توصیف روشنی از آرزوها و دردهای زن ایرانی به دست می دهد:

زن در ایران پیش از این گویی که ایرانی نبود

پیشه اش جز تیره روزی و پریشانی نبود

زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می گذشت

زن چه بود آن روزها گر ز آن که زندانی نبود

(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۲۸۲)

«از نظر سبکی بایست پروین را پیشوای شعر زنانه ایران دانست. شعری که در آن همه جا احساسات یک دختر، یک زن، یک مادر و یک پیرزن، خود را نشان می دهد. درست است که پروین در این شعر زنانه، شعر عاشقانه (چون فروغ و نسل بعد از او) نمی سراید اما در سراسر این دیوان، سیمای زن نجیب، فکور، رنج کشیده و محروم به

تصویر کشیده شده است» (مدرس زاده، ۱۳۹۲: ۳۵۰).

پروین و زنانه سرایی

شعر پروین تا آن اندازه زنانه است که از یک شاعر مبتکر انتظار داریم دست به کاری بزنند که تاکنون سابقه نداشته است؛ نه به این معنی که عناصر و درون مایه های حسی زنانه نظیر هم آغوشی، بوسه، هوس، عشق و دلدادگی در شعرش موج زند بلکه زبان پروین پر از محسوسات مادرانه و تمام واژه هایی است که زنان خانه دار را محصور و درگیر و گوشه نشین کرده است. «مهم ترین اتفاق زبانی در شعر پروین، این است که او به هر مناسبت واژگان مربوط به جهان بینی و رفتار و دیدگاه های یک زن را به کار می گیرد. برای نمونه در قصیده ای که مخاطب آن دل آدمی است، واژگان مهر، شهوت، مریم، غازه، گلگونه، لؤلؤ، خوابگاه، پیوند، حوا، وصله و جامه دیبا آمده است یا در قصیده گفتگوی گنجشک و کبوتر، واژگان کودکان، مادران، پرستار، دوختن، اطفال، آشیانه و مادر آمده است» (همان: ۳۵۱).

پروین با آن که حس مادری را هرگز تجربه نکرده است، همواره نگران وظیفه مادری است؛ در شعر لطف حق، چه زیبا از حس مادرانه مادر موسی، سروده است (اعتصامی، ۱۳۷۳: ۱۱۰). ادای درست این وظیفه، شعر شاعر را در حد یکی از بهترین و ماندگارترین نمونه های شعر معاصر قرار داده است. «او در چنین شعرهای تاریخی هم سراغ زن (مادر موسی) می رود. در حالی که یک شاعر مرد (مهدی حمیدی شیرازی) به سراغ خود موسی می رود» (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۱۰۶۰).

احساسات در شعر پروین

پروین احساسات خود را با منطق اجتماعی در هم آمیخته، به آن روح فلسفی بخشیده

است. او برخلاف زنان هنرمند دیگر، خود را در این مبارزه تنها و یکه تاز میدان نمی‌داند. او کمتر به احساسات فردی خود پرداخته است و احساسات جنسی در کلام او دیده نمی‌شود بلکه بیشتر به احساسات اجتماعی می‌پردازد.

مقایسه پروین با شاعران مرد هم عصر خویش

در مقایسه پروین با شاعران مرد، در می‌یابیم وجود برخی کاستی‌ها در شعر وی حاصل ستمی است که بارها در اشعارش به آن اشاره کرده است. «پروین از نظر قدرت شاعری و تسلط بر فنون ادبی و آگاهی از فرهنگ شعر سنتی، با متأخران یا معاصرانی از قبیل ادیب‌الممالک فراهانی و ایرج میرزا و بهار برابری می‌کند اما به همان اندازه که عواطف در شعرش از هم طرازان مرد قوی‌تر است، از لحاظ آگاهی‌های اجتماعی در مرتبه فروتر قرار دارد و گناه این نابرابری را باید به دوش جامعه مردسالار ما گذاشت که پذیرای زن در محیط خارج از خانه نبوده است و پروین، با همه تحصیلات ممکن در آن روزگار، همچون زن چشم و گوش بسته و پرده پرورد و حرم نشین است و پیوندش با مطالعه، تنها بار این عزلت را گران‌تر می‌کند» (قدمیاری، ۱۳۸۷: ۲۴۲).

به عنوان مثال پروین در شعر دو محضر (اعتصامی، ۱۳۷۳: ۱۲۷) - که آن را مانند دفاعیه‌ای برای زن خانه نشین سرود- تصاویری را با احتیاط بیان می‌کند؛ وی آگاهانه و به وضوح آنچه را در خانه رخ می‌دهد بی‌کنایه و ابهام بیان می‌کند اما رفتارهای قاضی و محکمه که مربوط به اجتماع است را در هاله‌ای از ابهام و با کنایه و استعاره به تصویر می‌کشد. در این مثنوی پروین با بیان داستان قاضی فاسد و مدعی که بار ملامت زندگی ویران شده‌اش را به گردن همسرش می‌اندازد، ناتوانی او را در انجام اموری که همسرش بی‌ادعا شبانه روز به آن‌ها می‌پرداخته است، بیان می‌کند. زن برای آزمودن مرد خویش چند روز خانه را ترک می‌کند و عجز قاضی در اداره امور منزل اثبات می‌شود:

من کنم صد شعله در یک دم خموش گاه دستم، گاه چشمم، گاه گوش
(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۱۲۷)

مقایسه اعتراض‌های ناصر خسرو و پروین

ناصر خسرو را شاعر اعتراض می‌شناسند و صدای اعتراض‌های مختلف او چون فریاد به گوش مخاطبانش می‌رسد؛ پروین را اگرچه تالی ناصر خسرو دانسته‌اند لکن نوع اعتراضش با ناصر خسرو کاملاً متفاوت است. او در سکوت و خاموشی فریاد می‌زند و انتقادهای تلخ و گزنده‌اش را لابه‌لای داستان‌ها و لحن آرام خود پنهان کرده است. تا آن‌جا که بسیاری از محققان معاصر، پروین را شاعر درد و اندوه طبقات محروم جامعه معرفی کرده‌اند. از جمله: «پروین سراینده شعر یتیمان و پیرزنان از پا افتاده و بیوه زنان رنج دیده و دیگر محرومان است» (یوسفی، ۱۳۷۶: ۱۴۷).

درباره مسائل سیاسی هم باید گفت پروین به مسائل سیاسی به صورت گسترده نپرداخته است و با آن‌که زمانش مقارن با نهضت مشروطه و شورش‌های آن دوران است اما به آن‌ها اشاره‌ای ندارد و جز یکی دو مورد، آن هم با موضوع فساد و تباهی، شعر سیاسی نسوده است؛ سخن سیاسی او بیشتر در حد اشاراتی به رشوه خواری حاکمان جور و ستم و بی‌عدالتی و فساد درباریان و دستگاه حاکم است؛ آن هم با بیان داستان‌هایی از گذشتگان مانند داستان نامه به انوشیروان (اعتصامی، ۱۳۷۳: ۲۳۳) و ایجاد مشابهت میان زمان حال و گذشته و در نهایت شکوه از بی‌عدالتی در طول تاریخ.

نپرداختن او به سیاست به صورت مستقیم، به معنای نرفتن همه راه با ناصر خسرو است؛ شاعری که همواره با محمود غزنوی و خلیفه عباسی بغداد چالش و درگیری دارد و با کنایه آن‌ها را خر و گاو می‌خواند. پروین در مسیر زنانه سرایی خود ترجیح می‌دهد وارد سیاست نشود که کار درستی هم کرده است و خود را هنرمندانه از سایه تأثیر بیرون آورده است؛ البته چه کسی است که از مناظره‌های سیر و پیاز و نخ و

سوزن، برداشت‌های سیاسی نداشته باشد.

قطعه اشک یتیم پروین (اعتصامی، ۱۳۷۳: ۱۹۶)، استقبال از قصیده ناصر خسرو به این مطلع است: «این تخت سخت گنبد گردان سرای ماست/ یا خود یکی بلند و بی‌آسایش آسیاست» اما پروین قافیه‌هایی مانند شاه و گدا دارد و ناصر قافیه‌هایی مانند قضا، کیمیا و... که نشان از تفاوت رویکرد دو شاعر دارد.

نسبت پروین با ابتکار و تقلید

پروین با وجود توجه به آثار پیشینیان و اثرپذیری از آن‌ها، خلاقیت خود را از دست نمی‌دهد. شعر وی با بینش فکری و تحلیل‌های مناسب، ممتاز شده است و جنبه تقلیدی ندارد. «باید پذیرفت که شعر پروین به سبک انتقادی ناصر خسرو و سبک اخلاقی سعدی نزدیک می‌شود اما تشخیص سبکی در شعر او به اعتبار زن بودنش را نباید نادیده گرفت» (مدرس زاده، ۱۳۹۲: ۳۵۰).

در بررسی جنبه‌های ادبی شعر او نیز تأثیرپذیری‌اش را از استادان بزرگ پیشین می‌توان دید. بیشتر منتقدان ادبی لحن شعر پروین را متأثر از سعدی، ناصر خسرو، مولوی، عطار و حتی ابن‌یمین می‌دانند. او هر چند از دایره شعر استادان قدیم قدمی فراتر ننهاد، هیچ‌گونه دخل و تصرفی در سبک و شیوه آن‌ها نکرده است اما هنر بزرگ او در آن است که «توانسته است افکار و عقاید جدید را با متانت و استحکام و لطف بیان در همان قالب‌های معمول عروضی فارسی بریزد» (آرین پور، ۱۳۷۶: ۵۴۱).

بیشتر کسانی که به بررسی اشعار پروین اعتصامی پرداخته‌اند، او را در قصیده پیرو سبک خراسانی و شاعران سده پنجم و در مثنوی پیرو سبک عراقی و شاعران سده هفتم دانسته‌اند اما باید دانست که افکار و اندیشه‌های ناب و مضامین نو در کلام او فراوان است. او شاعری تواناست که با تلفیق دو شیوه خراسانی و عراقی، قصایدی به

صلابت قصاید ناصر خسرو و در روانی و سلاست به اسلوب سعدی سروده است و به این ترتیب شیوه‌ای تازه و مستقل پدید آورده است. در قطعات نیز به سنایی و انوری توجه دارد اما در حد تقلید باقی نمانده است و به نوآوری پرداخته است. حتی در مواردی که شعر او تقلید یا نقل مضمون به نظر می‌رسد نیز آن‌قدر صیغه شخصی دارد که نمی‌توان آن را اخذ و اقتباس نامید. برای مثال در قطعه اشک یتیم با مطلع زیر:

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست
(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۱۹۶)

قافیه و بخشی از مضمون، بسیار شبیه مضمون قطعه انوری در مورد والی شهر (آن شنیدستی که روزی زیرکی با ابلهی...) است که با وجود نزدیکی معنی، پروین با آوردن فضایی از کودکی یتیم و پیرزنی گوژپشت و تصویر تماشاچیان و ازدحام مردم و سؤالات آن کودک که تاکنون گوهر قیمتی ندیده است و... زیبایی و انسجام خاصی به کلامش می‌بخشد که در قطعه انوری از آن خبری نیست. از این نمونه‌ها در دیوان پروین زیاد است.

نکته مهم در شعر پروین، این است که او توانسته است افکار و عقاید جدید را با متانت و آرامش در عین صلابت و استحکام، در همان قالب‌های کهن بریزد؛ به گونه‌ای که اگرچه در دید نخست و با غفلت از کنه معنای شعر، گویی همان شعر قدماست اما با کمی ژرف‌نگری، افکار و ایده‌های نو او کشف می‌شود. در واقع او نوعی نوگرایی آرام انجام داده است. او حتی در قالب و گاه اوزان عروضی هم مقلد بوده است اما در ریختن مطالب نو و جدید در این قالب‌های کهنه، به استادی عمل کرده است و شاید به همین سبب تعداد معترضان شعر او در برابر نوگرایان و نوسرایان افراطی بسیار کمتر است.

تأثیر پروین بر مجموعه شاعران هم‌عصر خود و حتی شاعران مسن‌تر از او دیده می‌شود. حتی شاعر نوآوری مثل نیما - به گواهی دیوان اشعارش - سال‌ها بعد از نشر

افسانه، در پی اسلوب پروین بوده، تلاش کرده است اشعاری به شیوه وی بسراید. مانند شعرهای خروس ساده، کرم ابریشم، پرنده منزوی و...

پروین، سنت گرای با تازه گویی

با آن که روزگار پروین، روزگار نوسرایی و شکستن قالب و گاه حتی بی وزن سرودن است اما پروین گویی به رسم ادب و احترام و اعتقاد به گذشتگان قالب شعر را درهم نمی‌شکند؛ به ظاهر سنت را رعایت می‌کند و به قالب‌ها و اوزان قدیمی پای بند می‌ماند. نو بودن او در عقاید و افکار نو او است و شاید همین «وجه برتری پروین و امثال او در برابر نوسرایان افراطی است» (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۱۸۶).

پروین با آن که ظاهراً به شیوه سنتی و کلاسیک شعر سروده است و مثلاً در قصیده سبک او خراسانی بوده است اما با روشی تازه و بدیع بدون تعقیدهای لفظی و معنوی که در قصیده سرایان سبک خراسانی مشهود است، با رهایی از واژه‌های مهجور و دشوار، قصایدی روان سرود؛ در مثنوی و مقطعات نیز گرچه ظاهراً سبک عراقی دارد اما با هنر به کارگیری کلمات ساده و گفتار بدون قید و بند اما پرمعنا، افکار ظلم ستیزانه خود را به مخاطب منتقل ساخت. او آتش عشق حقیقی را در دل خواننده شعله ور کرد و زن و نقش او را در پرورش افراد جامعه آشکار کرد.

به طور کلی پروین ضمن استفاده از تجربه‌های گذشتگان، نوگراست. شاید بهترین شاهد نوگرایی پروین، شعر جولای خدا (اعتصامی، ۱۳۷۳: ۶۲) باشد. دقت در این شعر روشن می‌کند در اشعار ناصر خسرو یا سعدی یا مولوی و هر یک از متقدمانی که پروین به آن‌ها ارادت داشته است، چنین دیدگاهی وجود نداشته است بلکه او تعبیری بکر و فکری جدید را در قالب داستان و به شکلی ظاهراً قدیمی آورده است که یاریگر او برای رهایی از اضطراب تأثیر است.

پروین، پیشرو نظریه اضطراب تأثیر (Anxiety Influence)

اضطراب تأثیر نظریه‌ای درباره تأثیرپذیری‌های شاعرانه است که نخستین بار هرولد بلوم آن را بیان کرد. او برای پی‌ریزی نظریه‌ای درباره تأثیر غیرمنتظره گذشته بر هنرمندان متأخر، آرای فروید را وام گرفت. از نظر بلوم، تأثیر ادبی نشان دهنده تعامل مهربانانه اکنون و گذشته نیست بلکه نشانگر نبرد ادیپی شاعران متأخر برای چیره شدن بر متقدمان یا ایجاد تغییر در آنهاست (مکاریک، ۱۳۸۳: ۳۸).

بر اساس این نظریه اضطراب تأثیر شاعر از شاعر ماقبل، عامل خلاقیتش می‌شود و این خلاقیت حاصل غلط خوانی هوشمندانه به جای خواندن کورکورانه است.

هرولد بلوم معتقد است: «دیرآمدگان همواره می‌کوشند تا از طریق بدخوانی خلاق-نوعی بدخوانی تدافعی که از اضطراب زایی متقدمین می‌کاهد- فضایی را آماده کنند تا خود بتوانند در آن دست به آفرینش بزنند» (همان: ۳۸).

طبق این نظریه، هر شاعر متأخر خود را در عرصه رقابتی می‌بیند که نیازمند تحدی و تلاش و ابداع است تا خود را صاحب سبک نشان دهد نه مقلد صرف. «شاعر برای رهایی از این دلواپسی نفوذ، از طریق قالب ریزی مجدد و منظم یکی از اشعار پیشین، این نیروی سنگین را خلع سلاح می‌کند» (امین پور، ۱۳۸۳: ۱۴۳).

طبیعی است که رفتار همه شاعران با چنین حالتی یکسان نیست. «برخی این تأثیر را به چشم آزمایشی بیش نمی‌نگرند و برخی تا سال‌های سال و گاه برای همیشه نسخه بدل باقی می‌مانند» (حقوقی، ۱۳۶۸: ۱۳۸).

پروین به سبب علاقه به آثار و ادب گذشتگان، با بازسازی مضامین اخلاقی شعرای پیشین در نهایت استواری و روانی کلام، در همان قالب‌های سنتی مضامین اخلاقی نابی خلق می‌کند که گرچه از نظر صلابت سخن، با آثار بزرگان ادب برابری می‌کند، در معنا و مفهوم تعبیری در ماورای لفظ و کلامش نهان دارد که تفاوت شعر وی را از شعر

قدما مشخص می‌کند و بوی تازگی با خود دارد. به همین سبب، تأثیرپذیری پروین امری ارتجاعی محسوب نمی‌شود بلکه ضمن یادآوری جنبه‌های گوناگون زندگی و نکات اخلاقی و اجتماعی گذشتگان، تعابیر و افکار جدید را نیز القا می‌کند؛ در نتیجه با وجود مضامین مشترک تعلیمی پروین اعتصامی و شاعران گذشته و تأثیری که سخنش ناخواسته از اشعار متقدمان گرفته است، بررسی عمیق مضامین اشعار وی مشخص می‌کند طبق نظریه اضطراب تأثیر، با آوردن آرا و عقاید مبارزه جویانه و انتقادی در پشت معانی ظاهری هر شعر و داستان و مناظره، سعی در رهایی از این اضطراب داشته است و به خوبی هم از عهده آن برآمده است.

پروین و رهایی از اضطراب تأثیر

در بررسی ویژگی‌های ادبی شعر پروین اعتصامی، می‌توان به تأثیرپذیری او از استادان بزرگ پیشین اشاره داشت. «منتقدان ادبی لحن شعر پروین را متأثر از سعدی، ناصرخسرو، مولوی، عطار و حتی ابن یمین می‌دانند و البته در این تردیدی نیست» (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۱۰۵۷)

در ادامه به نمونه‌هایی از این تقلیدها اشاره می‌شود. البته با کمی دقت در آن‌ها تفاوت زنانه بودن شعر پروین با شعر شاعران مرد، مشخص می‌شود و به این ترتیب، تا حد زیادی از اضطراب تأثیر رهایی می‌یابد:

الف) زن ستایی و حمایت از زنان

اولین نکته قابل توجه در شعر پروین، ستایش مقام شامخ زن، حمایت و دفاع آشکار از وی و بیان مظلومیت این جنس و به اوج رساندن مقام مادر است. اشعاری منحصر به فرد که در هیچ یک از دیوان‌های شاعران مرد دیده نمی‌شود و همین یگانه بودن در سرودن این چنین اشعاری می‌تواند سندی در اثبات این مدعا باشد که پروین یک مقلد صرف نیست.

در بیان مقام زن در شعر فرشته انس، زن را مایه انس و شفقت و رکن خانه هستی معرفی می‌کند:

در آن سرای که زن نیست انس و شفقت نیست

در آن وجود که دل مرد، مرده است روان

به هیچ مبحث و دیباچه ای قضا ننوشت

برای مرد کمال و برای زن نقصان

(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۲۵۴)

حتی مقام مرد را به واسطه نقش تاریخی و عظیم زن می‌داند:

اگر فلاطن و سقراط بوده‌اند بزرگ بزرگ بوده پرستار خردی ایشان

(همان: ۲۵۵)

پروین شاید نخستین شاعر زن ایرانی باشد که توصیف روشنی از آرزوها و دردهای

زن ایرانی به دست می‌دهد:

زن در ایران پیش از این گویی که ایرانی نبود

پیشه‌اش جز تیره‌روزی و پریشانی نبود

زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت

زن چه بود آن روزها گر ز آن‌که زندانی نبود

(همان: ۲۸۲)

وی سبب این تیره‌روزی و محکومیت را بی‌سوادی او می‌داند:

نور دانش را ز چشم زن نهان می‌داشتند

این ندانستن ز پستی و گران جانی نبود

از زر و زیور چه سود آن‌جا که نادان است زن

زیور و زر پرده پوش عیب نادانی نبود

(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۲۸۲)

ب) آوردن شخصیت‌های زنانه

شخصیت داستان‌ها و مناظره‌های پروین بیشتر دختر، زن، پیرزن و مادر انتخاب شده است و این تعمد نوعی رهایی او از اضطراب تأثیر است. برای نمونه به شخصیت‌های زیر در اشعار وی اشاره می‌شود: دختر یتیم و گوژپشت در شعر اشک یتیم (همان: ۱۹۶)، نامادری و دختر یتیم در شعر تیره بخت (همان: ۳۱۳)، شخصیت دخترکی خرد در میان دیگر دختران در شعر تهیدست (همان: ۲۲۶)، بیان داستان مادر موسی در شعر لطف حق (همان: ۱۱۰)؛ حتی در اشعار تمثیلی از قول حیوانات مثل شعر ای گربه (همان: ۴۱)، که با سرزنش گربه‌ای که فرزندانش را رها کرده است، سعی در نشان دادن اهمیت وظیفه مادری دارد و شبیه به همین مضمون در شعر روباه نفس (همان: ۹۱)، و طرح مطلب از سوی مادر مرغ در شعر کودک آرزومند (همان: ۲۶۱) و صفت مادر دوراندیش برای ماکیان (همان: ۱۹۰)، مؤید همین نکته است.

ج) نوع مخاطب

پروین برخلاف بیشتر شاعران مرد که در شعر خطاب برادر، ای پسر و... دارند سعی می‌کند مخاطب خود را نیز ای زن و ای دختر قرار دهد:

ای پسر گیتی زنی رعناست بس غرچه فریب

فتنه سازد خویشتن را چون به دست آرد عزب

(ناصر خسرو، ۱۳۷۸: ۹۵)

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

(سعدی، ۱۳۶۳: ۷۱۲)

غنچه‌ای زین شاخه، ما را زیب دست و دامن است

همتی ای خواهران تا فرصت کوشیدن است

(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۲۶۰)

د) واژه‌های زنانه

کاربرد واژه‌های زنانه (مطبخ، دیگ، تابه، عدس، لوبیا، نخود، خیاطی، نخ، سوزن، دوک، مشاطه و...)، در شعر پروین به نسبت شاعران مرد پیش از او بسیار است. در مقایسه‌ای ساده بین دیوان پروین و شاعران مرد متقدم او می‌توان گفت این دست واژه‌ها در شعر شاعران مرد یا نیست یا بسیار انگشت شمار است؛ در حالی که بسامد این واژه‌ها در دیوان پروین بسیار زیاد است و این نکته صرف نظر از مشخص کردن زنانگی شعر پروین و ویژگی سبک زنانه‌اش، به گونه‌ای او را شاعری مبتکر می‌سازد از شائبه تقلید بری می‌کند:

در دست بانویی، به نخ‌ی گفت سوزنی کای هرزه گرد بی سر و بی پا چه می‌کنی

(همان: ۲۷۱)

گفت سوزن با رفوگر وقت شام شب شد و آخر نشد کارت تمام

(همان: ۱۱۳)

هرگز درون مطبخ ما هیزمی نسوخت وین شمع روشنایی از این بیشتر نداشت

(همان: ۲۱۹)

و ده‌ها نمونه دیگر که در سراسر دیوان شاعر پراکنده است.

ه) ایجاد تصاویر زنانه

برخی تصاویر شعر پروین، تنها می‌تواند ساخته و پرداخته یک زن باشد و از عهده احساسات زنانه بر می‌آید و قطعاً در شعر هیچ یک از شاعران مرد متقدم و متأخر او وجود ندارد. مانند تصویر تاج سری از گل بر روی سر دخترکی که به زیبایی او می‌افزاید. این تصویر تنها در ذهن زنی با حس زنانه مجسم می‌شود:

نهاد کودک خردی به سر ز گل تاجی به خنده گفت شهان را چنین کلاهی نیست

(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۲۱۷)

همچنین تصویر گهر لعل و اشک یتیم در شعر گوهر اشک (همان: ۲۳۲) که با حس زنانه قابل درک تر است، یا تصویر تکمه درخشان کلاه پادشاه در شعر اشک یتیم (همان: ۱۹۶) که با دید تیزبین و دقیق زنانه ممکن است.

حس خمیدگی و درد کمر برای زنی که در اثر کار زیاد خمیده است در شعر اندوه فقر وی به وضوح دیده می‌شود:

با دوک خویش پیرزنی گفت وقت کار کاوخ! ز پنبه ریشتم موی شد سپید
از بس که بر تو خم شدم و چشم دوختم کم نور گشت دیده ام و قامتم خمید
(همان: ۲۲۵)

تصویر بریدن و دوختن و به نخ کردن سوزن، کاری زنانه است که از یک زن (خیاط) بر می‌آید و بس:

پروین چگونه جامه تواند برید و دوخت آن کس که نخ نکرده به یک عمر سوزنی
(همان: ۲۶۶)

و) زنانه گویی‌های پروین

حتی در مقایسه تقلیدهای ظاهری پروین از مضامین شعری گذشتگان، نوعی زنانه گویی در شعر پروین وجود دارد که شعرش را از اشعار متقدمانش جدا می‌کند. لحن زنانه و واژه‌ها و احساسات زنانه وی - که برخی ناخود آگاه و برخی عمدی بود - سبب شد تا علاوه بر ایجاد سبک شخصی برای او، از تهمت تقلید از گذشتگان ببری و از اضطراب تأثیر شاعران پیشتر رها شود. نمونه‌هایی از این تقلید مضمون‌ها با رنگ زنانه و سبک خاص پروین که ثابت می‌کند او شاعری مبتکر است، اشاره می‌شود:

۱) پروین نگرش منفی ناصر خسرو به دنیا را دارد، با این تفاوت که ناصر خسرو دنیا را به زنی زیبا و فریبنده یا به پیرزن جادوگر و مکار مانند می‌کند که در صدد فریب عزیزان غرچه و انسان‌های خام است (که شاید دلیل این تشبیه حيله گری به زن، دید

منفی عمومی مردان به زن باشد):

ای پسر گیتی زنی رعناست بس گرچه فریب

فتنه سازد خویشتن را چون به دست آرد عزب

(ناصرخسرو، ۱۳۷۸: ۹۵)

خویشتن دار ای جوان از پیر دهر

تات نفریید به عذر این پیرزن

(همان: ۱۶۰)

اما پروین دنیا را مکاری می‌داند که هر لحظه در کمین پیر و جوان و هر انسان خام است و لحن جنسیتی ندارد (شاید چون خودش زن است دلیلی نمی‌بیند که فریبندگی را صفت زنانه بشمارد و به زنان نسبت دهد)؛ او با این بیانش ضمن خدشه دار نکردن قداست زن، از اضطراب تأثیر شاعر متقدم نیز رهایی یافته است:

هزار بار بلغزاندت به هر قدمی که سخت خام فریب است روزگار و تو خام

(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۳۳۱)

(۲) متقدمان پروین شرافت و بزرگی را در علم و ادب دانسته اند:

فضل و ادب مرد، مهین نسبت اوی است شاید که نپرسی ز پدر و ز عم و خالش

(ناصرخسرو، ۱۳۷۸: ۲۰۶)

زنانگی کلام پروین در بیان همین مضمون نیز کاملاً هویدا است. او برخلاف ناصرخسرو که همه مایه‌های افتخار را مرد می‌داند (پدر، عمو، دایی)، سهم مادر را نیز در نسب و هنر یکسان می‌شمارد:

ز ادب پرس پرس از نسب و ثروت ز هنر گوی، مگوی از پدر و مادر

(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۳۲۳)

(۳) مضمون تشبیه کردن دنیا به گرگ، ابتدا در شعر ناصرخسرو آمده است و پروین

شاید در بیان این مضمون به شعر ناصرخسرو نظر داشته است اما با آوردن واژه زنانه (مطبخ) تفاوتی آشکار ایجاد می‌کند و علاوه بر تثبیت سبک زنانه خود، از اتهام تقلید صرف بودن شعرش نیز مبرا می‌شود:

گرگ مردم خوارگشته است این جهان بنگر اینک گر نمداری باورم
(ناصرخسرو، ۱۳۷۸: ۴۷۰)

گرگ فلک آهوی وقت را خورد در مطبخ ما مشتی استخوان است
(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۲۹۸)

۴) در شباهت دادن دنیا به دیو نیز شاید پروین به ناصرخسرو اقتدا کرده باشد اما با واژه زنانه (سفره) شعر پروین ممتاز و زنانه می‌شود و خود را با آوردن لفظی زنانه، از اضطراب تأثیر می‌رهاند:

دیوی است جهان که زهر قاتل را در نوش به مکر می بیچاره
(ناصرخسرو، ۱۳۷۸: ۲۵۳)

چو شاگردی مکتب دیو کردی بیایست لوح و کتابش بخوانی
تو را سفره آماده و دیو ناهار بر این سفره بنگر چه را می‌نشانی؟
(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۳۶۱)

۵) پروین همانند ناصرخسرو، مضمون لزوم پرداختن به آبادی خویش و سرزنش کسانی که از وجود خویش فارغند و تنها در پی آبادی دیگرانند را می‌آورد:

بام کسان را چه عمارت کنی چون که نبندی بن دیوار خویش؟
(ناصرخسرو، ۱۳۷۸: ۱۷۷)

عمارت تو شد چنین خراب و لیک به خانه دگران پیشه تو معماری است
(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۳۰۱)

البته پروین لحن زنانه اش را با آوردن واژه خانه به جای بام، حفظ کرده است.

۶) پروین مضمون نکوهش دنیا و وصف دورویی و بوقلمون صفتی آن را گویی از ناصر خسرو تقلید کرده است اما در مقام یک زن کاری با شمشیر هندی ندارد و همان نکته را با ظرافت زنانه مطرح می‌سازد و همین از جنبه تقلیدی شعرش کاسته است:
 حال او چون رنگ بوقلمون نباشد یک نهاد

گاه یار توست و گه دشمن چو تیغ هندوی

(ناصر خسرو، ۱۳۷۸: ۳۴۴)

چه شدی دوست بر این دشمن بی رحمت

چه شدی خیره بر این منظر بوقلمون

(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۳۴۹)

۷) پروین مضمون سفارش به کار و تلاش و ذم کاهلی و سستی و مژده حصول گنج از پی تحمل رنج را، از گذشتگان خود گرفته است اما برخلاف سعدی که خطابش به برادر است، خطاب پروین عمومی است:

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

(سعدی، ۱۳۶۳: ۷۱۲)

از کار سخت خود نکنم شکوه ز آنک ناکرده کار، می‌توان زیست کامکار

(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۳۱۹)

۸) در مانند کردن دنیا به دزدی که از عمر انسان می‌کاهد و سرقت می‌کند، ظاهراً بیانی شبیه ناصر خسرو دارد اما با بیانی زنانه؛ چون زن و خانه نشین است دزد خانگی را در نظر می‌آورد و با حس ترس زنانه می‌خواهد در خانه را محکم کند؛ برخلاف ناصر خسرو که چون مرد است دزد و طرار بیرونی را در نظر دارد؛ این ظرافت بیانی زنانه، شعرش را از جنبه تقلیدی می‌رهاند:

آن که طرار است زر و سیم برد و این جهان

عمر برد و پس چنین جای دگر طرار نیست

(ناصر خسرو، ۱۳۷۸: ۲۱۱)

راه زد بر تو جان و برد فرو زیب تو

چند خواهی گفت مطرب را فلان راهک بزن

(همان: ۲۶۲)

چو ما برو در و دیوار خانه محکم کن

مگرد ایمن و فارغ، زمانه راهزن است

(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۱۷۹)

۹) موضوع همدردی با یتیمان و هم‌حسی با کودک یتیمی که با دیدن منظره محبت پدری منقلب می‌شود، گرچه پیش از پروین در شعر سعدی آمده بود اما سعدی می‌گوید فرزند و پروین می‌گوید دختر؛ این نکته ظریف که تحت تأثیر روحیه زنانه پروین است، نوعی رهایی از اضطراب تأثیر در شعر اوست:

چو بینی یتیمی سرافکنده پیش مزن بوسه بر روی فرزند خویش

(سعدی، ۱۳۶۳: ۲۵۵)

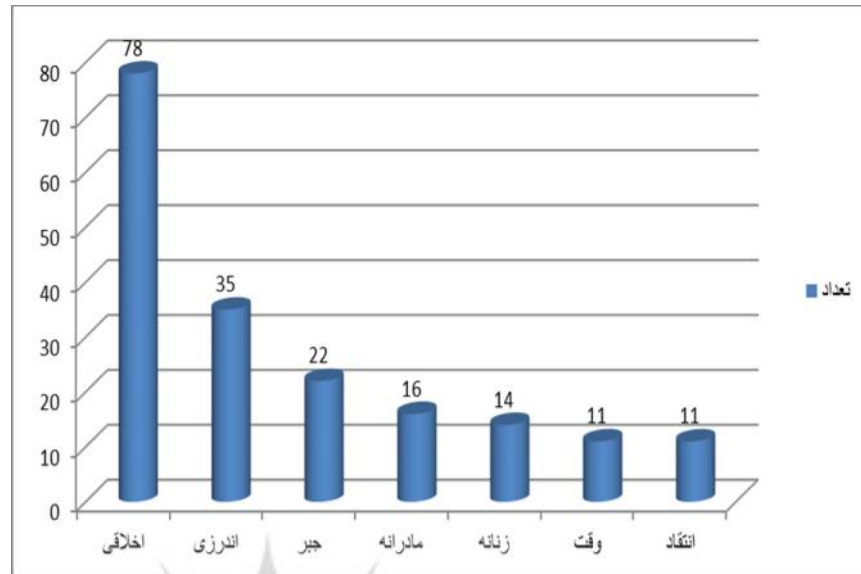
نزد من دختر خود را بوسید بوسه‌اش کار دو صد خنجر کرد

(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۳۱۳)

در نهایت هدف از مقایسه‌های فوق، به غیر از مشخص شدن تفاوت واژه‌ها و سبک زنانه پروین با سبک گذشتگان، توجه به عمدی بودن بیشتر این اختلافات است؛ همان نکته‌ای که سبب می‌شود پروین از اضطراب تأثیر شاعر متقدم برهد.

جدول. دسته بندی درون مایه های قطعات پروین اعتصامی

| شماره قطعات | تعداد | درون مایه |
|---|-------|-----------|
| <p>۸۰-۷۵-۷۴-۷۳-۶۸-۶۷-۶۵-۶۰-۵۹-۵۶-۵۵-۵۴-۵۳-۵۱-۴۸-۴۷-۴۶-۴۵-۴۴- ۱۱۳-۱۰۷-۱۰۶-۱۰۵-۱۰۱-۱۰۰-۹۹-۹۵-۹۴-۹۳-۹۰-۸۹-۸۸-۸۷-۸۶-۸۴-۸۲- ۱۵۶-۱۵۵-۱۵۳-۱۴۲-۱۴۱-۱۴۰-۱۳۹-۱۳۴-۱۳۳-۱۳۰-۱۲۷-۱۲۰-۱۱۷-۱۱۶- ۱۷۸-۱۷۷-۱۷۲-۱۷۱-۱۶۸-۱۶۷-۱۶۵-۱۶۴-۱۶۲-۱۶۱-۱۶۰-۱۵۹-۱۵۸-۱۵۷- ۲۰۶-۲۰۵-۲۰۰-۱۹۹-۱۹۵-۱۹۴-۱۹۳-۱۸۶-۱۸۰ (قطعه های مشترک ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۶۱)</p> | ۷۴ | اخلاقی |
| <p>۱۰۸-۹۸-۹۷-۹۶-۹۲-۹۱-۸۱-۸۰-۷۹-۷۷-۷۶-۷۲-۷۰-۶۹-۶۴-۶۳-۶۲-۴۳- ۱۹۲-۱۹۰-۱۸۸-۱۸۴-۱۸۱-۱۷۹-۱۷۴-۱۷۳-۱۵۴-۱۵۲-۱۴۴-۱۲۴-۱۱۴-۱۰۹- ۲۰۳-۱۹۸ (قطعه های مشترک ۷۸، ۱۱۲)</p> | ۳۶ | اندرزی |
| <p>۱۰۳-۸۰-۱۰۴-۱۱۰-۱۱۵-۱۲۲-۱۳۲-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۴۳-۱۴۶-۱۴۸-۱۴۹- ۲۰۴-۱۹۶-۱۷۶-۱۷۵-۱۶۹-۱۵۰ (قطعه های مشترک ۱۳۸، ۱۴۸)</p> | ۲۰ | جبر |
| <p>۱۸۳-۱۸۲-۱۵۱-۱۴۸-۱۴۵-۱۳۸-۱۱۹-۱۱۲-۶۶-۵۲-۵۰-۴۹- (قطعه های مشترک ۶۹، ۱۰۷، ۱۵۸، ۱۶۰)</p> | ۱۶ | مادرانه |
| <p>۲۰۹-۲۰۸-۲۰۷-۲۰۲-۱۷۱-۱۷۰-۱۲۶-۱۲۱-۱۱۸-۱۰۲-۸۵-۸۳-۹۹- (قطعه مشترک ۱۲۹)</p> | ۱۴ | زنانه |
| <p>۱۹۷-۱۹۱-۱۶۳-۱۴۱-۱۱۱-۷۸-۷۱-۵۸-۵۶- (قطعه های مشترک ۱۵۰، ۸۴)</p> | ۱۱ | وقت |
| <p>۱۸۹-۱۸۷-۱۸۵-۱۳۵-۱۳۱-۱۲۹-۱۲۳-۱۰۷-۱۰۰-۶۱-۵۷- (قطعه های مشترک ۱۵۰، ۸۴)</p> | ۱۱ | انتقاد |



نمودار. فراوانی درونمایه های شعر پروین

نتیجه

پروین به سبب پدر و محافل ادبی او، پای بندی متعمدانه ای به ادبیات سنتی دارد؛ همین پای بندی، برخی منتقدان ظاهرگرا را واداشته است او را شاعری مقلد معرفی کنند. مهم ترین کاری که پروین انجام داده است، تشخیص این نکته است که نباید همه راه را با شاعران متقدم بپیماید. او شعر خود را فرزند زمان خویش می داند که نباید در آب و هوای قرن های پنجم تا هفتم پرورش یابد. در اثبات شاعر بودن پروین، همین نکته کافی است که او پیش از خلق نظریه ای از سوی منتقدان ادبی فرنگ، کار خود را به گونه ای پیش برده است که در سایه تأثیر کسی قرار نگیرد. این که رفتار هنرمندان پروین، ما به ازایی در دیدگاه های منتقدان فرنگی دارد، نشان می دهد منتقدان ادبی نظریات خود را بر اساس نمونه های موجود و سراسر

خلاقانه شعر او طرح کرده‌اند، نه این‌که او موظف باشد بر اساس نظریات مطرح شده از سوی منتقدان ادبی شعر بگوید؛ در نتیجه به سبب مضامین مشترک تعلیمی پروین اعتصامی و شاعران گذشته و تأثیری که سخنش ناخواسته از اشعار آن‌ها پذیرفته، با مطالعه عمیق اشعار وی مشخص می‌شود طبق نظریه اضطراب تأثیر، وی با آوردن آرا و عقاید مبارزه جویانه و انتقادی در پشت معانی ظاهری هر شعر و داستان و مناظره، سعی در رهایی از این اضطراب دارد.

در نهایت حاصل این پژوهش آن است که پروین نوگویی‌های خاص خود را دارد. البته شعر او تحت تأثیر شاعران متقدم او هم هست ولی ضمن پیروی ظاهری از شیوه پیشینیان، مقلد صرف هم نیست. اشعار پروین به جز وزن و قافیه، از نظر معنی و فکر و آرمان، کاملاً ابتکاری هستند. وی در عرصه ادب تعلیمی و شعر اخلاقی معاصر، شاعری کاملاً موفق است و اگرچه در تأثیرپذیری او از گذشتگان تردیدی نیست، با مضامین خلاقانه و ابتکارات خود توانسته است از سایه اتهام این تأثیرپذیری برهد و صاحب سبکی مستقل شود.

منابع

- ۱- آراین پور، یحیی. (۱۳۷۶). *از نیما تا روزگار ما*. تهران: زوار.
- ۲- اعتصامی، پروین. (۱۳۷۳). *دیوان*. با مقدمه ملک‌الشعراى بهار. تهران: نگاه.
- ۳- امین پور، قیصر. (۱۳۸۳). *سنت و نوآوری در شعر معاصر*. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۴- براهنی، رضا. (۱۳۶۳). *تاریخ مذکر*. تهران: اول.
- ۵- جلالی، بهروز. (۱۳۷۲). *جاودانه زیستن، در اوج ماندن*. تهران: مروارید.
- ۶- حقوقی، محمد. (۱۳۶۸). *شعر و شاعران*. تهران: نگاه.

۷- دانشگر، احمد. (۱۳۷۴). پروین اعتصامی شاعری از تبار روشنی‌ها. تهران: حافظ نوین.

۸- ذوالفقاری، محسن. (۱۳۸۶). عناصر قصه در اشعار پروین اعتصامی. مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت یکصدمین سال تولد پروین. اراک: دانشگاه اراک.

۹- سعدی، مصلح الدین. (۱۳۶۳). کلیات سعدی. تهران: امیرکبیر.

۱۰- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۶۳). درباره ادبیات و نقد ادبی. تهران: امیرکبیر.

۱۱- قدمیاری، مجید. (۱۳۸۷). معجزه پروین؛ نقد و تحلیل اشعار پروین. تهران: سخن.

۱۲- مدرس زاده، عبدالرضا. (۱۳۹۲). از سیستان تا تهران؛ سبک شناسی شعر. کاشان: دانشگاه آزاد اسلامی.

۱۳- مکاریک، ایرناریما. (۱۳۸۳). دانشنامه نظریه‌های ادبی. ترجمه مه‌رام مهاجر و محمدنبوی. تهران: آگه.

۱۴- ناصرخسرو، ابومعین. (۱۳۷۸). دیوان اشعار. تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران.

۱۵- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۶). چشمه روشن. تهران: علمی.



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی